



BRANDAFARIN JOURNAL OF MANAGEMENT

Volume No.: 2, Issue No.: 24, Mar 2022

P-ISSN: 2717-0683 , E-ISSN: 2783-3801

Predicting marital adjustment based on religious orientation, coping strategies and personality traits

Moin Moghaddaszadeh

Psychologist

Abstract

Marital adjustment refers to the objective feelings of satisfaction, satisfaction, and pleasure experienced by a couple that can be a reflection of how happy people are in a marital relationship or a combination of satisfaction due to many factors specific to the marital relationship; ; Therefore, identifying the underlying factors is of great importance. The aim of this study was to predict marital adjustment based on religious orientation, coping strategies and personality traits. The present study was a descriptive-correlational study. 266 employees of Kashan University were selected by convenience sampling method and answered Bahrami Religious Orientation Questionnaire, Andler and Parker Coping Strategies Questionnaire, Hexaco Personality Traits Questionnaire and Spanier Marital Adjustment Questionnaire. The results showed that marital adjustment had a significant positive relationship with religious orientation and problem-oriented and avoidant coping strategies and had a significant negative correlation with emotional methods. The results also showed that there is a significant correlation between the traits of agreement, conscientiousness, honesty, humility and marital adjustment. Based on these findings, it can be said that religious orientation, effective coping strategies and personality traits play an important role in determining the degree of marital adjustment. The results implicitly show that paying attention to faith in attention, using effective coping strategies and personality traits can improve marital satisfaction and quality of life.

Keywords: Compatibility, religion, personality

پیش بینی سازگاری زناشویی بر اساس جهت گیری مذهبی، راهبردهای مقابله ای و صفات شخصیت

معین مقدس زاده

روانشناس

چکیده

سازگاری زناشویی، به احساسات عینی از خشنودی، رضایت و لذت تجربه شده توسط زن و شوهر اطلاق می شود که می تواند انعکاسی از میزان شادی افراد از روابط زناشویی و یا ترکیبی از خشنود بودن به واسطه ی بسیاری از عوامل مختص رابطه زناشویی باشد؛ از این رو، شناسایی عوامل زمینه ساز آن از اهمیت بالایی برخوردار است. پژوهش حاضر با هدف پیش بینی سازگاری زناشویی بر اساس جهت گیری مذهبی، راهبردهای مقابله ای و ویژگی های شخصیتی انجام گرفت. پژوهش حاضر از نوع توصیفی - همبستگی بود. 266 نفر از کارکنان دانشگاه کاشان به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند و به پرسشنامه جهت گیری مذهبی بهرامی، پرسشنامه راهبردهای مقابله ای اندلر و پارکر، پرسشنامه ویژگی های شخصیتی هگزاکو و پرسشنامه سازگاری زناشویی اسپانیر پاسخ دادند. نتایج نشان داد که سازگاری زناشویی با جهت گیری مذهبی و راهبردهای مقابله ای مساله مدار و اجتنابی رابطه مثبت معنی دار دارد و با شیوه های هیجانی همبستگی منفی معنی دار دارد. هم چنین نتایج نشان داد که بین صفات توافق پذیری، وظیفه شناسی و صداقت و فروتنی و سازگاری زناشویی همبستگی معناداری وجود دارد. بر اساس این یافته ها می توان گفت که جهت گیری مذهبی، راهبردهای مقابله ای کارآمد و صفات شخصیت نقش مهمی در تعیین میزان سازگاری زناشویی دارند. نتایج تلویحا نشان می دهد که توجه به ایمان به توجه، استفاده از راهبردهای مقابله ای کارآمد و صفات شخصیت می توان رضایت و کیفیت زندگی زناشویی را ارتقا بخشید.

واژگان کلیدی: سازگاری زناشویی، جهت گیری مذهبی، راهبردهای مقابله ای، صفات شخصیت

مقدمه

اجتماع بشری مجموعه ای از خانواده هاست. خانواده کوچک ترین جزء اجتماع است که ستون های اصلی آن را زن و شوهر تشکیل می دهند. بنابراین لازمه یک جامعه سالم، خانواده سالم و لازمه ی خانواده سالم، زن و شوهر سالم است. خانواده واحدی است که براساس ازدواج پدید می آید و از آغاز پیدایی خود همچون حریمی امن، زندگی انسان را در بر می گیرد و روح تازه ای در درون شبکه خویشاوندی ایجاد می کند که شمار زیادتری از خویشاوندان را نیز به هم پیوند می دهد (کافمن، 2011). جامعه ی سالم بدون داشتن خانواده های سالم نمی تواند تحقق یابد. هیچ یک از آسیب های اجتماعی بی تاثیر از خانواده پدید نیامده است. برای داشتن جامعه ای سالم باید به سلامت نخستین واحد اجتماعی یعنی سلامت خانواده اهمیت داد. یکی از عوامل تعیین کننده در سلامت خانواده سازگاری زناشویی است. استواری و استحکام خانواده به ازدواج و رابطه ی زناشویی پایدار و بنیادین بستگی دارد؛ یعنی هرگونه تزلزل و سستی در رضایت زناشویی و یا نبود ازدواج موفق علاوه بر این که آرامش روانی زوج ها را مختل می سازد، بقا و دوام خانواده را نیز در معرض خطر قرار می دهد (پورمیدانی، 1393). بنابراین، نقش و اهمیت روابط نزدیک زناشویی در رشد و تکامل افراد به طور گسترده در ادبیات روانشناختی اجتماعی مورد بحث قرار گرفته است (یانگ و همکاران، 2015). سازگاری زناشویی¹ به عنوان یکی از پیامدهای ازدواج، وضعیتی پایدار از شادمانی است که با تعامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، توافق در مورد مسائل گوناگون، رضایت جنسی و ایجاد شرایط مناسب بدست می آید و یک متغیر روانشناختی است و به عنوان یک ویژگی فردی برای زوجین در نظر گرفته می شود (بلوردی و همکاران، 2015). موندل² (2014)، نیز سازگاری زناشویی را یک فرایند تکاملی در رابطه ی بین زوجین می داند که به حالتی از تطابق در حوزه های مختلف زوجین که ممکن است در آن ها تعارض وجود داشته باشد، اطلاق می شود.

سازگاری زناشویی، یک تجربه ی شخصی در ازدواج است که تنها توسط خود فرد در پاسخ به میزان لذت رابطه ی زناشویی قابل ارزیابی است و عوامل بسیاری هستند که در زندگی مشترک روی رضایت زناشویی تاثیر می گذارند و این احساس نقش مهمی در میزان کارکردهای بهنجار خانواده ایفا می کند. هم چنین، سازگاری زناشویی وضعیتی است که طی آن زن و شوهر

¹Marital Adjustment

²Mondol

از ازدواج با یکدیگر و با هم بودن احساس شادمانی و خرسندی می کنند (جیانگ، وانگ، زانگ، لیو و همکاران، 2015). مفهوم سازگاری زناشویی توسط اسپانیر (1976) مطرح و مورد ارزیابی قرار گرفته است که فرایندی است که با پیامدهای چندی همچون دشواری در درک تفاوت های جنسی، اضطراب شخصی و بین فردی، رضایت زناشویی همایند است. سازگاری زناشویی دارای چهار مولفه اصلی توافق زوجین¹، ابراز محبت²، همبستگی زوجین³ و رضایت زوجین⁴ است. توافق زوجین، میزان موافقتی است که زوجین در با هم در رابطه با موضوعات و اتخاذ تصمیمات مهم دارند. بعد دوم ابراز محبت می باشد که به ابراز احساس درونی، عشق و مسائل جنسی می پردازد و بعد سوم انسجام زوجین است که به اندازه گیری میزان زمان صرف شده برای همسر می پردازد و فعالیت های لذت بخش دو وجهی همچون علائق اجتماعی، گفت و گو و یا داشتن اهداف مشترک را شامل می شود و در نهایت رضایت زوجین مدنظر است که به بررسی خوشحالی و یا عدم خوشحالی درک شده در روابط زوجین همچون تعداد مجادله و لذت بردن از صرف زمان با یکدیگر می پردازد (خاکیپور و همکاران، 2014).

امروزه رشد روزافزون آمار طلاق در دنیا بسیار نگران کننده است. با وجودی که ایران هنوز براساس آمارهای رسمی، در بین کشورهای با میزان طلاق نسبتاً پایین قرار دارد، اما طی ده سال گذشته میزان طلاق در کشور روز به روز در حال افزایش بوده است. این مساله نشان دهنده ی سازگاری پایین برخی از زوج ها در روابط با هم بوده و پرداختن به موضوع سازگاری زناشویی به عنوان یکی از عوامل دخیل در تداوم ازدواج یا طلاق را ضروری می نماید. برخی از پژوهش ها نشان می دهد که سازگاری زناشویی در زندگی زوج ها پیامدهای مثبت فراوانی داشته و عدم سازگاری آن ها با هم، عواقب انکارناپذیری بر سلامتی و رابطه ی آن ها بدنبال خواهد داشت. به عبارت دیگر، سازگاری زناشویی باسلامتی زوج ها در ابعاد کیفیت خواب، افسردگی، استرس، رضایت از زندگی، رضایت زناشویی، کیفیت زندگی، عملکرد خانواده و رابطه ی والد-فرزندی رابطه ی معناداری دارد (منجو، 2016؛ سریواستاوا، 2015 و بشاریپور و شیخ الاسلامی، 2015). مطالعات دیگری نیز نشان داده است که کیفیت روابط زناشویی با تعدادی از پیامدهای روانشناختی مانند احساس خوشبختی و رضایت از زندگی، رضایتمندی زناشویی، ارزش خود و اعتماد به نفس، افزایش کیفیت زندگی و حمایت اجتماعی ادراک شده در زوجین رابطه دارد (حسینی و همکاران، 2017).

بررسی ها نشان داده است که سلامت خانواده در کیفیت زندگی آینده ی فرزندان موثر است. برای مثال، ویسز⁵ (2014)، نشان داد که خانواده اصلی در کیفیت و موفقیت زندگی زناشویی اثر پایداری دارد. هم چنین نتایج برخی پژوهش ها بیانگر رابطه ی سلامت خانواده ی اصلی با سازگاری زناشویی (موراوا و ترلک، 2012)، صمیمیت و استقلال ادراک شده در زنان (جوزوفیک و ووچسک، 2010) و رضایت زناشویی زنان (فرحبخش، 2011) است. برقراری ارتباط صمیمی، انتقال احساسات، افکار و بیان نیازها میان زوجین، راه حل بسیاری از مشکلات در روابط زناشویی است (نازار، فونسکا، گومیرو و کاناوارو، 2011). محققان معتقدند که صمیمیت، اهمیت اساسی در ماندگاری روابط زوجین و دست یابی به شادکامی زناشویی دارد (به نقل از سعادتیان و همکاران، 2014).

محققان، در جهت افزایش سازگاری زناشویی و کاهش طلاق، عوامل بسیاری را شناسایی کرده اند. یکی از این عوامل، عامل دین و معنویت⁷ است. مذهب سیستم سازمان یافته ای است از باورها، شامل ارزش های اخلاقی، رسومات، مشارکت در جامعه دینی برای اعتقاد راسخ تر به خدا یا یک قدرت برتر است. باورهای مذهبی شیوه مؤثری برای مقابله با مصایب، تجارب دردناک و نشانه های بیماری است. همچنین در زمان مشکلات و ناراحتی بر چگونگی روابط انسانی اثر می گذارند. باورهای مذهبی اعضای یک خانواده می تواند بر شیوه ارتباط آن ها با یکدیگر و حفظ جایگاه و مرزهایی که بین اعضای خانواده وجود دارد، تأثیر زیادی داشته باشد (فرح بخش و همکاران، 2010).

بسیاری از مردم بر این باور هستند که ایمان جزئی از رسالت شخصی آن هاست و اعمال آن ها بر طبق رفتارهای مذهبی آن ها استوار است. به گونه ای که به جای این که معطوف جذابیت های زودگذر شوند، نسبت به اهداف خود متمرکز باقی می ماند، ایمان مذهبی برای این افراد، به منزله ی راهنمایی برای اعمال روزانه و پایبندی به اخلاق، انسجام درونی، روابط مثبت، ابراز عشق به همسر و تامین نیازهای مالی و سایر چیزهای دیگر است (اولسون و همکاران، 1391). با این وجود،

³ Dyadic consensus (DCON)

⁴ Affectional expression (AE)

⁵ Dyadic cohesion (DCOH)

⁶ Dyadic satisfaction (DS)

¹ Weiss Jennifer

² Religion

³ Spirituality

برخی از محققان معتقدند نه تنها نقش مذهب در زندگی افراد در سال های اخیر کمرنگ نشده است، بلکه هنوز هم بسیاری از افراد در زندگی شان تحت تاثیر عقاید مذهبی شان قرار دارند (دولاهیت، هاوکینز و پار، 2012).

دولاهیت و همکارانش (2012)، در مطالعه ای کیفی به بررسی معنای زندگی در 57 زوج مسیحی، یهودی و مسلمان پرداختند. نتایج تحلیل های کیفی آن ها نشان داد که موضوع عمده (خارج از سنت های دینی) در تمام زوجین فارغ از نوع مذهب این بود که ازدواج یک واحد مقدسی است که «چیزی بیش تر» دارد: چیزی بیش تر از خود، چیزی بیش تر از زوجین و چیزی بیش تر از واحد خانواده. برای این زوجین ازدواج نهاد مقدسی بود که توسط خداوند بنا شده و خداوند همواره ناظر بر رابطه ی زناشویی و نگهدارنده ی آن است. ورود عقاید مذهبی به رابطه زناشویی باعث می شود زوجین مذهبی در ازدواج خود احساس معنا کنند، از باورهای مذهبی برای معنی بخشیدن به رابطه ی زناشویی خود استفاده کنند و ازدواج خود را چیزی فراتر از ارتباط صرف بین زن و شوهر ببینند.

پژوهش های زیادی نشان می دهند افرادی که از درجات زیاد مذهبی بودن برخوردارند، سطح بالاتری از تعهد نسبت به زندگی زناشویی خویش دارند. هم چنین رابطه ی قوی بین مذهبی بودن و کیفیت زندگی دیده می شود و هر دو متغیر باورهای مذهبی و کیفیت زندگی با راهبردهای بقا و حفظ رابطه ی زناشویی ارتباط دارد (فولر، 2014). مذهب (دعا، نماز، مناسک عبادی، مشارکت در آیین ها و تشریفات درجه ی اول) ادراکات زوجین درباره ی معنای مقدس ازدواج را پررنگ می کند. همچنین مذهب باعث می شود زوج ها دوام و بقای ازدواج را از برکت خداوند بدانند و خویشاوندی و پیامدهای مثبت ازدواج نیز در سایه ی مذهب، رنگ مقدسی به خود خواهد گرفت (مولینز، 2016).

در سال های اخیر مطالعات روانشناختی زیادی نیز در این حیطه انجام شده است که بیش تر پژوهش ها نشان می دهند اهمیت مذهب و پای بندی مذهبی در کاهش مشکلات فردی، اجتماعی و خانوادگی است؛ برای مثال، باورهای مذهب و دینی می تواند باعث ایجاد خوش بینی در افراد شود (قیناکی، ثناگو و جویباری، 2016). پای بندی مذهبی می تواند تاب آوری روانشناختی، صبر و تحمل زنان متأهل را افزایش دهد (کلانتر هرمزی، عسلی طالکوبی و مرادی لیاولی، 1394). اکبری مرغان و عبد یوسفخانی (1394)، نریمانی پرزور، عطادخت و عباسی (1394) و خدایاری فرد، شهبابی و زردخانه (2013) در پژوهش خود نشان دادند بین پای بندی مذهبی و رضایت زناشویی رابطه وجود دارد.

از آن جایی که در زندگی امروزه، اجتناب از استرس غیر ممکن است، زوجین همه روزه با فشار و استرسی جدید در زندگی زوجی خود مواجه می شوند. شیوه های مقابله آن ها با استرس، یکی از عوامل مهم تعیین کننده ی رضایت و دوام زندگی زوجی آن ها است. هماهنگی هر دو زوج و شیوه های مقابله ای یکسان و موثر آن ها، یک عامل موثر در ایجاد همخوانی برخورد با شرایط استرس زا است. بسیاری از اختلافات در خانواده ها، ناشی از وجود مشکلات و موقعیت های استرس زایی همچون مدیریت مالی، مسائل زناشویی، تربیت فرزندان و ... می باشد؛ که همسران برای مقابله با این موقعیت ها، توان استفاده از راهبردهای کارآمد را ندارند. زوجین ناموفق از راهبردهای ناکارآمدی همچون اجتناب از مسائل و جنجال به پا کردن و بگو مگوهای بی نتیجه استفاده می کنند، این در حالی است که زوجین موفق راهبردهای مبتنی بر حل تعارض، کمک از متخصصین و دریافت حمایت از خانواده های اصلی خود استفاده می کنند که به مراتب موجب بالا رفتن سطح عملکرد مطلوب خانواده می شود.

مهارت های مقابله ای¹، یکی از متغیرهای مهم برای رویارویی با شرایط استرس زای زندگی است که دارای مفهومی گسترده است و شامل مولفه های شناختی و رفتاری می شود. به طور کلی مقابله، به عنوان تلاش شناختی و رفتاری برای اداره خواست های بیرونی یا درونی ویژه ای تعریف شده است که فراتر از منابع فرد ارزیابی گردیده است. مقابله نیازمند بسیج و آماده سازی نیروها و انرژی فرد است که با آموزش و تلاش بدست می آید، لذا با کارهایی که به طور خودکار انجام می شود تفاوت اساسی دارد. تدابیر مقابله ای افکار و رفتارهایی هستند که پس از رو به رو شدن فرد با رویداد استرس زا به کار گرفته می شوند، در حالی که منابع مقابله ای ویژگی های خود شخص هستند که قبل از وقوع استرس وجود دارند، مانند، برخورداری از عزت نفس، احساس تسلط بر موقعیت، سبک های شناختی، منبع کنترل، خودآثربخشی و توانایی حل مساله (گویال و همکاران، 2014). بر اساس بر همین اساس می توان گفت که این امر در بین زوجین بیش تر نمود عینی پیدا می کند، چرا که در این حیطه به جای فرد، تعامل و تقابل دو نفر است که هر دو می توانند برای افزایش سطح سازگاری تلاش کنند و در صورت تحقق این مسئله است که می توان در زندگی آنان از رضایت زناشویی سخن گفت.

در این راستا، پژوهشگران، سه راه مقابله با استرس را مطرح کرده اند؛ یک روش، شیوه های سازگاری متمرکز بر حل مسئله² که شامل فعالیت های مستقیم به منظور تغییر یا اصلاح شرایطی است که تهدیدآمیز تلقی می شود و این نوع مقابله، در

¹Coping Strategies

¹ Problem-oriented coping style

جهت تغییر موقعیت، یا در جهت گسترش مهارت‌ها و پاسخ‌های جدید عمل می‌کند. در واقع، فرد سعی می‌کند برای رفع استرس یا به کم‌تر کردن آن فعالیتی انجام دهد. فرد تلاش و کوشش فراوانی در جهت حل مساله انجام می‌دهد. دوم، شیوه‌های متمرکز بر هیجان¹ که شامل فعالیت‌ها یا افکاری برای کنترل احساسات نامطلوبی است که از شرایط فشارزا بوجود آمده‌اند. در این نوع مقابله، بر عواطف ناشی از استرس تاکید می‌شود. زمانی که مساله فراتر از کنترل فرد ادراک می‌شود، فرد برای کاهش پریشانی هیجانی و آرام ساختن خود اعمالی را انجام می‌دهد. در این مرحله، فرد می‌کوشد تا خود را آشفته‌گی‌ها و پریشانی‌های حاصل از وقوع استرس‌رها سازد. در واقع، تاکید فرد نه بر خود مساله، که بر عواطف ناشی از آن است. سوم، راهبردهای مقابله اجتنابی² که ممکن است به شکل روی آوردن و درگیر شدن در یک فعالیت تازه و یا به شکل روی آوردن به اجتماع و افراد دیگر ظاهر شود یا در آن فرد از مواجه شدن با مشکل اجتناب می‌کند (اندلر و پارکر، 1990). طبقه بندی جدیدتر، چهار سبک مقابله شامل منطقی، گسسته، هیجانی و اجتنابی را توصیف کرده‌اند. مقابله منطقی، به عنوان راهکاری مساله مدار و مقابله گسسته به عنوان رویکردی که بر اساس آن فرد از نظر شناختی از مشکل فاصله می‌گیرد تا از این طریق با آن مواجه شود و تاثیر بالقوه هیجان را کاهش دهد، تعریف می‌شود. مقابله منطقی و گسسته، سبک‌های کارآمد و مقابله هیجانی و اجتنابی، غالباً سبک‌های ناکارآمد محسوب می‌شوند (لازاروس و فولکمن، 1980).

محققان معتقدند سبک مورد استفاده توسط افراد در مواجهه با مشکلات به نوع عوامل فشارزا و مشکلات بستگی دارد. در مشکلات مربوط به کار و ارتباط‌های فردی، مقابله متمرکز بر مساله، بیش‌تر مورد استفاده قرار می‌گیرد ولی در مسائل مربوط به سلامتی و اقتصاد، سبک مقابله هیجان مدار موثر است؛ زیرا از طریق دست‌کاری‌های شناختی، فرد را از مشکل دور نگه می‌دارند (فلتون، ریونسون و هانیرنکسین؛ به نقل از صالح باگوتایان، 2015). بنابراین، شیوه‌هایی که افراد برای مقابله به کار می‌برند، به میزان جالب توجهی هم به جنسیت آن‌ها و هم به نوع شرایط استرس‌زای مواجه شده با آن بستگی دارد. راهبردهای مقابله‌ای ارتباط مثبت و معناداری با عملکرد عمومی زوج‌ها و کارایی رابطه‌ی زناشویی را نشان داده‌اند. راهبردهای مقابله‌ای که زوجین هنگام مواجهه با مسائل، تنش‌ها و تغییرات چشمگیر استفاده می‌کنند، نشان‌دهنده‌ی کیفیت زندگی زناشویی است. هنگامی که راهبردهای مقابله‌ای مساله مدار را به کار می‌برند و نقش هیجان در تصمیم‌گیری برای مقابله با تنیدگی به حداقل می‌رسد، می‌توانیم انتظار رضایت زناشویی داشته باشیم (انصاری و محمودی، 2016).

ویژگی‌های شخصیتی³ نیز از جمله عوامل مهمی است که بر سازگاری زناشویی زوجین تاثیر دارد (کاستا و مک کری، 1992؛ به نقل از وکیلی عباسعلی لو، 1393). شخصیت، الگوی منحصر به فرد و سازمان پویای زنده جنبه‌های ادراکی، انفعالی، ارادی و بدنی هر فرد است که مجموعه‌ای از کیفیت‌های موروثی و اکتسابی را شامل می‌شود و فرد را از دیگران متمایز می‌سازد. به عبارت دیگر، شخصیت نشان‌دهنده‌ی ویژگی‌های فردی است که الگوهای رفتاری ثابت افراد را به نمایش می‌گذارد. شخصیت را می‌توان به عنوان مجموعه‌ای از ویژگی‌های نسبتاً پایدار و منحصر به فرد که می‌تواند در موقعیت‌های مختلف تغییر نماید تعریف نمود (بولوردی، 2015).

در گستره‌ی علوم روان‌شناختی، نظریه‌های زیادی در زمینه‌ی ویژگی‌های شخصیتی و تاثیر آن‌ها بر هیجان، تفکر و رفتار تبیین شده است که در این بین، مدل پنج‌عامل بزرگ کاستا و مک کری (1991)، یکی از پرکاربردترین نظریه‌های شخصیت در سال‌های اخیر است که مطرح می‌کند، ویژگی‌های شخصیتی، ژنتیکی، ثابت و الگوهایی از افکار، احساسات و رفتار هستند. در این مدل، شخصیت یک مفهوم چند بعدی است و هر بعد شامل مجموعه‌ای از صفات می‌باشد. این ابعاد عبارتند از روان‌رنجوری⁴، برون‌گرایی⁵، گشودگی⁶، توافق‌پذیری⁷، و وظیفه‌شناسی⁸ (ترال و وایدگر، 2013). در این طبقه بندی، افرادی که دارای ویژگی‌های عواطف مثبت یا برون‌گرایی هستند، افرادی سرزنده، پرجنب و جوش و اجتماعی می‌باشند. افرادی بسیار عصبی (روان‌رنجور) یا افرادی که دارای احساسات منفی بالایی هستند، در روابط خود مضطرب و متزلزل می‌باشند. افراد با ویژگی‌های وظیفه‌شناسی بالا، افرادی مسئولیت‌پذیر، متمرکز و سازمان‌یافته هستند. افراد سازگار (توافق‌جو)، افرادی متفکر، مهربان و حامی هستند. گشودگی نسبت به تجربیات، ویژگی‌های افراد مبتکر و خلاق می‌باشد (سودرمنز و کریجن، 2016).

² Emotion Counter Style

³ Avoidance coping style

⁴ Personality Traits

¹ Neuroticism

² Extraversion

³ Openness

⁴ Agreeableness

⁵ Conscientiousness

بر این اساس و تا سال 2000، مدل پنج عاملی شخصیت پرترفدارترین طبقه بندی شخصیت بوده است. اما پژوهشگران بیان کرده اند که این 5 عامل، همه ی صفات را پوشش نمی دهد و فراتر از این 5 عامل، صفات دیگری هم وجود دارند (وسلکا، ورنون و اسچرمر، 2012). نخستین تغییر در مدل 5 عاملی، افزایش عامل ها به عدد شش بود (آشتون، لی و وریس، 2014). تفاوت دیگر مربوط به محتوای عامل های هم سازی و پایداری هیجانی (معکوس نورزگرایی) است. آشتون و همکاران (2014)، بر اساس مدل شش بعدی شخصیت در سال 2000، پرسشنامه شخصیتی هگزاکو (HEXACO-PI-R) را طراحی کرده و بعداً آن را مورد تجدید نظر قرار دادند. آشتون و لی در سال 2004، این ابعاد شخصیت استخراج شده را هگزاکو نامیدند که مدل هگزاکو از ساختار شخصیت به عنوان مدل جدید شخصیت، مفهوم بندی شد که این عوامل را دربر می گیرند: صداقت، فروتنی، تهییج پذیری، برون گرایی، همسازی، وظیفه شناسی و تجربه پذیری. با وجود نام ها و محتوای مشترک هگزاکو با مدل 5 عاملی، عامل های هگزاکو با 5 عامل سنتی تفاوت هایی دارد. محتوای هم سازی و پایداری هیجانی در پنج عامل، چرخش دوباره کرده است و در عامل های صداقت، فروتنی، هم سازی و تهییج پذیری پراکنده شده است. هم چنین، عامل های همسازی هگزاکو تا حدودی با محتوای تحریک پذیری و تندمزاجی مشخص می شود که معمولاً در عامل پایداری هیجانی 5 عاملی جای دارد (آشتون و لی، 2007).

مطالعات انجام شده، به طور عمومی نشانگر آن است که ویژگی های شخصیتی با تمام عملکردهای انسان ارتباط دارد (هلند و رویسمن، 2009). به باور کوپر⁶ (2010)، تفاوت های بین فردی معناداری در بین افراد وجود دارد و این تفاوت ها، به شیوه ی منطقی بوسیله تفاوت های بین فردی در شخصیت قابل پیش بینی و توجیه است. تحقیقات نشان داده است که شخصیت می تواند تاثیرات پایداری بر روابط زناشویی داشته باشد. هم چنین بعضی از ویژگی های شخصیتی، تنش ها و تعارضات را بین زوج ها افزایش می دهد و تداوم زندگی زناشویی را تهدید می کند (حسینی و همکاران، 1392). ماسکارین، کانگر، مارتین، دونلان، مایسین و لورنز (2013)، معتقدند تجارب خانوادگی و تفاوت های فردی در شخصیت به عنوان پیش بینی کننده کیفیت روابط عاشقانه می باشند. در واقع، ویژگی های شخصیتی افراد نیز می تواند کیفیت کلی رابطه را شکل دهد و کیفیت رابطه ی افراد هم به نوبه ی خود احتمال انحلال رابطه را تحت تاثیر قرار می دهد (سولومن و جکسون، 2014).

هم چنین پژوهش های دیگری نیز نشان می دهد که ویژگی های شخصیتی افراد به خوبی می توانند پیش بینی کننده رضایت زناشویی باشند. برای مثال، پژوهش رضا حاجی بیدگلی و تمنایی فر (2017) نشان داد که روان رنجوری، تجربه پذیری و توافق (همسازی) پیش بینی کننده ناسازگاری زناشویی هستند. همچنین، پژوهش اعتماددینیا و همکاران (2015) نشان داد که روان رنجورخویی با رضایت زناشویی دارای یک ارتباط منفی است و به عنوان یکی از قوی ترین پیش بینی کننده های کاهش رضایت زناشویی مطرح می باشد. روان رنجورخویی، یکی از صفات شخصیتی است که به دلیل آثار زیان باری که بر روابط زناشویی دارد مورد توجه مطالعات بسیاری قرار گرفته است. افراد روان رنجور، بیش از دیگران به نگرانی، افسردگی و ادراکات غیرطبیعی مبتلا می شوند (وسزیدلو و سگرین، 2013). در واقع، در افرادی که نمرات بالایی از این ویژگی را کسب می کنند، به هنگام مواجهه با شرایط مشکل ساز، توانایی حل مساله کاهش می یابد و در نتیجه با کاهش میزان رضایت و سازگاری زناشویی، احتمال جدایی و طلاق افزایش می یابد (فین و همکاران، 2013). روان رنجورخویی در درجه اول فرایندهای درون روانی افراد در زمینه ی روابط زناشویی را تحت تاثیر قرار می دهد. کاهش کنترل تکانه های عصبی و تمایل به افکار منفی در افراد روان رنجور، دنیای درون فردی (درک فرد نسبت به رضایت از رابطه زناشویی) را بیش تر از دنیای برون فردی (میزان رضایت مندی شریک جنسی از رابطه زناشویی) تحت تاثیر قرار می دهد و منجر به تعارض در زمینه رضایت زناشویی می شود (واگنر و همکاران، 2014). مطالعه ی ملایی و بنی هاشمی (2016) و عسگری و همکاران (2016) همبستگی مثبتی بین ویژگی برون گرایی بارضایت زناشویی را نشان داد. افراد با برون گرایی بالا، به احتمال بیش تری با رفتار خود، باعث افزایش رضایت در همسرشان می گردند. آن ها سعی در افزایش کیفیت زندگی خود دارند و در پی آن باعث افزایش جلب حمایت همسر خود می گردند (اندر، 2012). هم چنین در مواردی که زوجین نمرات بالاتری در ویژگی مسئولیت پذیری را کسب کرده اند رضایت زناشویی بیش تر است. افراد با وظیفه شناسی بالا گزارش کردند که از راهبردهای برنامه ریزی مانند راهبرد آگاهانه و مقابله کردن فعال، با حذف مشکلاتی که با آن مواجه می شوند، استفاده می کنند. بنابراین، این افراد با این ویژگی، به علت این که از اهداف خود به سادگی چشم پوشی نمی کنند و مسئولیت اعمال خود را می پذیرند و نسبت به تعهدات خود پای بند می باشند، در زندگی زناشویی خود نیز، این ویژگی ها را بروز می دهند و به احتمال بیش تری به زندگی زناشویی پای بند هستند (صادقی و همکاران، 2016).

⁶ Cooper

توافق جویی نیز موجب می شود که افراد در تعامل های خود با دیگران بتوانند احساس خود را مهار کنند و برخورد آرامی داشته باشند (رازقی و همکاران، 2011). توافق پذیری، میزان تمایل فرد برای بخشندگی، مهربانی، سخاوت و همدلی است. افرادی که نمره ی بالایی بدست می آورند، بیش تر احتمال دارد گرم، خوش مشرب، مهربان و اهل همکاری باشند. در نتیجه در روابط بین فردی با دوستان و خانواده، پس از وقوع حوادث ناسازگار، تغییرات مثبت را تجربه می کنند و تمایل به عشق بیش تری نسبت به شریک زندگی خود و رضایت و تعهد به رابطه دارند (بوک و همکاران، 2012). افرادی که نمرات بالایی از ویژگی گشودگی کسب می کنند، انعطاف پذیری بیش تری دیده می شود. به همین دلیل ابراز به همدردی و اشتیاق کمک کردن به دیگران در این افراد بیش تر است. در نتیجه، در زندگی مشترک نیز از رضایت زناشویی بالاتری برخوردارند و کیفیت زناشویی نیز در این افراد افزایش می یابد (کینگ و همکاران، 2012؛ جنتی و همکاران، 2010). صفت صداقت و فروتنی نیز جلوه ای از صفت انصاف را در تعاملات اجتماعی به تصویر می کشد که در رفتار جوانمردانه و همکاری با دیگران، حتی زمانی که شخص توانایی بهره کشی از دیگران بدون ترس از انتقام را دارد، نمود پیدا می کند (آستون و لی، 2007). هم چنین، منظور از صداقت خالص بودن، صداقت، ایمان و وفاداری، فروتنی و بی ادعایی در برابر موذیگری، نیرنگ بازی، حرص و طمع، متظاهر بودن، ریاکاری، لاف زنی و خود بزرگ بینی است.

بنابراین، با توجه به مطالعات و نظرات مطرح شده در ارتباط بین جهت گیری مذهبی، راهبردهای مقابله ای، ویژگی های شخصیتی با سازگاری زناشویی می توان چنین استنباط کرد که انسجام خانواده و سازگاری زناشویی دو رکن به هم پیوسته در خانواده می باشند. در واقع اگر در خانواده ای، سازگاری زناشویی بین زوجین برقرار باشد، مسلماً آن خانواده در سطح رضایت بخشی از انسجام قرار دارد. افزایش میزان طلاق و از هم گسیختگی خانواده ها در جامعه و وجود انواع مشکلات ناشی از آن، ضرورت انجام تحقیقاتی را در این زمینه ایجاب می کند. در صورت وجود سازگاری زناشویی در زوجین و بالا رفتن سطح انسجام خانواده، می توان انتظار داشت که بنیان خانواده، تحکیم و ثبات بیش تری پیدا کند و با تحکیم و ثبات نهاد مهمی همچون خانواده، جامعه سالم تری نیز خواهیم داشت. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف ارتباط بین جهت گیری مذهبی، راهبردهای مقابله ای، ویژگی های شخصیتی با سازگاری زناشویی در نمونه ای از کارکنان متاهل دانشگاه کاشان انجام شده است. در نهایت به بررسی این مطلب پرداخته خواهد شد که جهت گیری مذهبی، راهبردهای مقابله ای و ویژگی های شخصیتی تا چه اندازه قادر به تبیین واریانس سازگاری زناشویی و انسجام خانواده می باشند. به همین منظور، پرسش های زیر مطرح شده است:

1- آیا بین جهت گیری مذهبی و سازگاری زناشویی رابطه وجود دارد؟

2- آیا بین عمل به باورهای دینی و سازگاری زناشویی رابطه وجود دارد؟

3- آیا راهبردهای مقابله ای می تواند سازگاری زناشویی را پیش بینی کند؟

4- هر کدام از ویژگی های شخصیتی، چه سهمی در سازگاری زناشویی دارند؟

روش اجرای پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی با طرح همبستگی است که با هدف رابطه بین جهت گیری مذهبی، ویژگی های شخصیتی و راهبردهای مقابله ای با سازگاری زناشویی در بین کارکنان دانشگاه کاشان انجام شد. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه کارکنان متاهل دانشگاه کاشان بودند. از این جامعه آماری (339)، نمونه ای به حجم (266) نفر با روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار مورد پژوهش، شامل پرسشنامه سازگاری زناشویی اسپانیر (1976)، پرسشنامه جهت گیری مذهبی (1982)، پرسشنامه راهبردهای مقابله ای (1989) و پرسشنامه ویژگی های شخصیتی هگزاکو (HEXACO-PI) است. (R)

مقیاس سازگاری زناشویی اسپانیر¹

این مقیاس (DAS)، توسط اسپانیر² (1986)، به منظور سنجش سازگاری بین زن و شوهر به کار می رود. قصد این مقیاس، سنجش میزان سازگاری در میان ساختارهای دونفره است. این مقیاس، ابزاری 32 پرسشی برای ارزیابی کیفیت رابطه زناشویی از نظر زن و شوهر است. تحلیل عاملی نشان می دهد که این مقیاس، چهار بعد رابطه را می سنجد؛ رضایت

¹ Dyadic Adjustment Scale (DAS)

²Spanier

دو نفری، هم بستگی دو نفری، توافق دو نفری و ابراز محبت (1387). اسپانییر (1986)، اعتبار این مقیاس را در کل نمرات 0/96 برآورده کرده، که نشان می دهد این مقیاس از همسانی درونی بالایی برخوردار است. او همسانی خرده مقیاس ها را نیز بین خوب تا عالی برآورد کرده که عبارتند از رضایت دو نفره 0/94، همبستگی دونفره 0/81، توافق دو نفره 0/90 و ابراز محبت 0/73.

در ایران، این مقیاس در سال 1374، توسط آموزگار و حسین نژاد ترجمه، اجرا و هنجاریابی شده است (حسین نژاد، 1995). ضریب پایایی این پرسش نامه را اسماعیلی (1995)، 0/92 و فتحی آشتیانی (2004)، 0/94 گزارش کرده اند. مقیاس سازگاری زناشویی، سه نوع مقیاس متفاوت رتبه بندی بدست می دهد. نمره ی کل مجموع پرسش ها بین صفر تا 151 است. نمرات بالاتر، نشان دهنده ی رابطه ی بهتر است. برای افزایش اطمینان مقیاس، تعدادی از پرسش ها، به صورت مثبت و تعدادی به صورت منفی طراحی شده است. بنابراین برای نمره گذاری، برخی از پرسش ها مستلزم معکوس کردن است. از نظر اسپانییر، افرادی که نمره آن ها 101 یا کم تر از آن باشد، مشکل دار و ناسازگارند و افراد دارای نمرات بالاتر از 101 سازگار به حساب می آیند. میانگین نمرات زوج های سازگار در مطالعه ی اسپانییر، 114/7 و در زوج های ناسازگار، 70/7 بود.

در پژوهش حاضر، ضریب کل آلفای کرونباخ برای سازگاری زناشویی 0/70 و برای زیرمقیاس های رضایت دو نفری 0/78، همبستگی دونفری 0/71، توافق دو نفری 0/75، ابراز محبت 0/79 بدست آمده است.

پرسشنامه جهت گیری مذهبی بهرامی¹ (1381)

این مقیاس توسط بهرامی در سال 1381 طراحی شده و دارای 45 سوال است که چهار عامل اساسی را متمایز می سازد. عامل نخست، جهت گیری مذهبی مبتنی بر سازمان یافتگی مذهبی است که منعکس کننده استقرار نسبی رابطه فرد با مذهب است و موضوع هایی نظیر اعتقاد به خداوند و روز جزا، اعتقاد به وظیفه و تلاش برای سازندگی، اعتقاد به خدمت به مردم و اعتقاد به یاری خداوند در روزهای سخت را در بر دارد. عامل دوم، عدم سازمان را یافتگی مذهبی منعکس می سازد و عاملی منفی در جهت گیری مذهبی است. این عامل فقدان مهار خود در مواجهه با گناه، عدم اعتقاد به خدمت به مردم و وظیفه انسانی، ناشکیبایی در برابر نتیجه کار و تمایل به کسب فوری نتیجه، فقدان مراقبت از افکار و اعمال، خودخواهی و فقدان توجه به حقوق دیگران، نادیده گرفتن حریم ها برای تحقق اهداف شخصی و نارضایتی از زندگی را در بر می گیرد. عامل سوم، ارزنده سرای مذهبی است. این عامل از گویه های تشکیل شده است که ویژگی عمومی آن ارزیابی انعطاف ناپذیر از مذهب و رفتارهای مذهبی است و عامل چهارم کامجویی است که ویژگی عمومی آن لذت طلبی و ترجیح آن، عدم اعتقاد عمومی به مذهب، تفسیر شخصی از دستورات دینی و لذت جویی است. چارچوب اساسی این پرسشنامه مرجعیت بخشیدن به ساختار روابط و مناسبات انسان در تمام ابعاد آن در پرتو رابطه ی انسان با خداست (بهرامی احسان و تاشک، 1383) است که فرد هنوز موفق به ایجاد رابطه ای پایدار با مذهب نشده است. این آزمون با استفاده از یک الگوی منسوب به امام صادق (ع) که انواع حقوق و وظایف انسان را تعریف می کند، طراحی شده است. پایایی این آزمون بین 0/85 تا 0/93 است. روایی آن با تاکید بر روایی سازه و روایی محتوا بررسی شده و این دو نوع روایی تامین شده است (بهرامی احسان، 1380).

در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ برای جهت گیری مذهبی 0/79 و برای مولفه های مذهب گرایی 0/65، سازمان نیافتگی مذهبی 0/70، ارزنده سرای مذهبی، 0/71 و کامجویی 0/69 می باشد.

پرسشنامه راهبردهای مقابله ای اندلر و پارکر² (1990)

این مقیاس در سال 1990 توسط اندلر و پارکر به منظور ارزیابی نحوه ی رویارویی افراد با مشکلاتشان ساخته شده است. این آزمون دارای 48 عبارت است و سه سبک مقابله یعنی مقابله مسأله مدار، که به معنای کنترل هیجانانگیز و برنامه ریزی برای حل گام به گام مسئله است (16 عبارت)، مقابله هیجان مدار، که در آن فرد به جای تمرکز بر خود مسئله بر هیجانانگیزی ناشی از آن تمرکز کرده و به جای حل مشکل برای کاهش دادن هیجانانگیز منفی تلاش می کند (16 عبارت) و سبک مقابله اجتنابی که در آن فرد از مواجه شدن با مشکل اجتناب می کند (16 عبارت) را شامل می شود. این پرسشنامه یک ابزار خود

³ Religious orientation Questionnaire

¹ Endler & Parker Coping Strategies Questionnaire

گزارشی است و آزمودنیها باید در یک طیف لیکرت پنج درجه ای (از هرگز -1 تا بسیار -5) مشخص کنند تا چه حد از راهبردهای ارائه شده استفاده می کنند. در حال حاضر این پرسشنامه با 48 ماده یکی از ابزارهای قابل اعتماد برای سنجش روشهای مقابله به حساب می آید. سبک مقابله فرد با توجه به اینکه در کدام سبک، نمره بالاتری کسب کند ارزیابی می شود.

به عبارتی، نمره هر یک از سبکهای مقابله از 16 تا 80 است و هر کدام از سبکها، نمره بالاتری را کسب کند، آن سبک به عنوان سبک مقابلهای فرد در نظر گرفته می شود. ضریب آلفای کرونباخ سه مقیاس اصلی یاد شده در نمونه های مختلف از جمله جوانان، دانشجویان و بزرگسالان بالای 80٪ و برای دو بعد زیر مقیاس مقابله اجتنابی نیز در نمونه یاد شده بین 72٪ تا 84٪ گزارش شده است. در ایران شکری و همکاران (1384)، ضریب آلفای زیر مقیاس های مقابله مساله مدار، هیجان مدار و اجتنابی را به ترتیب 75٪، 82٪ و 73٪ گزارش کرده اند.

در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ برای راهبرد مقابله ای مساله مدار 0/69، هیجان مدار 0/73 و مقابله اجتنابی 0/79 بدست آمده است.

پرسشنامه ویژگی های شخصیتی هگراکو¹ (HEXACO-60)

این پرسشنامه دارای 60 سوال است و 6 بعد وسیع صداقت - تواضع، هیجان پذیری، برون گرایی، سازگار بودن، وظیفه شناسی و گشودگی نسبت به تجربه را شامل می شود (لی و آشتون، 2004). نمره گذاری عبارت های این پرسشنامه به صورت لیکرت است. به این صورت که دامنه ی نمرات بین صفر الی 4 است. نمره صفر به "کاملاً مخالفم" و نمره ی 4 به "کاملاً موافقم" اختصاص می یابد.

هر یک از ابعاد شش گانه ی هگراکو دارای 4 رویه و در مجموعه 24 رویه را شامل می شود، که برای صداقت و فروتنی (صداقت²، انصاف³، پرهیز از حرص و فروتنی⁴)، برای عامل تهییج پذیری (ترسوئی⁵، اضطراب⁶، وابستگی⁷ و احساساتی بودن⁸)، برای عامل برون گرایی (حرمت خود اجتماعی⁹، جسارت اجتماعی¹⁰، مردم آمیزی¹¹ و سرزندگی¹²)، عامل سازگاری (بخشش¹³، ملایمت¹⁴، انعطاف پذیری¹⁵ و بردباری¹⁶)، برای عامل وظیفه شناسی (سازمان یافتگی¹⁷، پشتکار¹⁸، کمال گرایی¹⁹ و احتیاط²⁰) و برای عامل گشودگی نسبت به تجربه (درک زیباشناختی²¹، جستجوگری²²، خلاقیت²³ و غیرعرفی

¹ HEXACO Personality Traits Questionnaire

² Sincerity

³ Fairness

⁴ Greed a Voidance

⁵ Modestly

⁶ Fearfulness

⁷ Anxiety

⁸ Dependence

⁹ Sentimentality

¹⁰ Social Self - Steam

¹¹ Social Boldness

¹² Sociability

¹³ Live Lines

¹⁴ Forgiveness

¹⁵ Gentleness

¹⁶ Flexibility

¹⁷ Patience

¹⁸ Organization

¹⁹ Diligence

²⁰ Perfectionism

²¹ Prudence

²² Aesthetic appreciation

²³ Inquisitiveness

²⁴ Creativity

بودن¹) با روش آلفای کرونباخ در نمونه ای از دانشجویان از 77٪ تا 80٪ گزارش شده است (آشتون و لی، 2009). در ایران ، پالاهانگ و همکاران (1388) ، ساختار عاملی نسخه بلند (192 سوالی) این پرسشنامه را تایید کرده اند .

در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب برای صداقت و فروتنی 0/68، هیجان پذیری 0/66 ، برون گرایی 0/69 ، توافق پذیری 0/76 باوجدان بودن 0/71 و گشودگی به تجربه 0/67 بدست آمده است.

یافته ها

فرضیه اول : آیا بین جهت گیری مذهبی و سازگاری زناشویی رابطه وجود دارد.

الف (یافته ها (بخش توصیفی) :

جدول شماره 1: میانگین و انحراف استاندارد نمرات جهت گیری مذهبی در بین کارکنان دانشگاه کاشان

متغیر حداکثر نمره	فراونی	میانگین	انحراف استان دار	حداقل نمره
مذهب گرایی	266	6/24	18	62
سازمان نیافتگی مذهبی	266	7/31	26	77
ارزنده سازی مذهبی	266	3/37	9	30
کامجویی	266	4/10	16	39
نمره کل جهت گیری مذهبی	266	16/37	74	205

جدول شماره 1 میانگین نمرات جهت گیری مذهبی در بین کارکنان را نشان می دهد. همانطور که جدول بالا نشان می دهد میانگین نمرات جهت گیری مذهبی در بین کارکنان برابر با 127/32 و انحراف استاندارد آن برابر با 16/37 می باشد.

جدول شماره 2: میانگین و انحراف استاندارد نمرات سازگاری زناشویی در بین کارکنان دانشگاه کاشان

متغیر حداکثر نمره	فراونی	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل نمره
رضایت زناشویی	266	4/26	27	50
همبستگی دونفری	266	2/54	10	21
توافق دونفری	266	7/76	18	70
ابراز محبت	266	2/54	4	16
نمره کل سازگاری زناشویی	266	11/15	71	144

جدول شماره 2 میانگین نمرات سازگاری زناشویی در بین کارکنان را نشان می دهد. همانطور که جدول بالا نشان می دهد، میانگین نمرات سازگاری زناشویی در کارکنان برابر با 107/74 و انحراف استاندارد آن برابر با 11/15 می باشد.

²⁵ Unconventionality

ب) یافته ها (بخش استنباطی) :

جدول شماره 3 : ضریب همبستگی بین جهت گیری مذهبی و سازگاری زناشویی در بین کارکنان دانشگاه کاشان

متغیرها		سازگاری زناشویی	
جهت گیری مذهبی	تعداد	مقدار ضریب همبستگی	سطح معنی داری
	266	$r = 0/52$	$p < 0/05$

جدول شماره 3 همبستگی بین جهت گیری مذهبی و سازگاری زناشویی در بین کارکنان را نشان می دهد. همانطور که جدول نشان می دهد بین جهت گیری مذهبی با سازگاری زناشویی در بین کارکنان همبستگی مثبت به میزان $r = 0/52$ ، $p < 0/05$ وجود دارد که این همبستگی از نظر آماری معنی دار است. نتیجه می شود که این رابطه، مستقیم می باشد؛ یعنی هرچه جهت گیری مذهبی در زوجین بالاتر باشد سازگاری زن و شوهر در آن زوجین بیشتر می شود و هم چنین هرچه جهت گیری مذهبی در زوجین پایین تر باشد سازگاری زن و شوهر در آن ها نیز کمتر می شود. بنابراین فرضیه اول پژوهش تأیید می گردد.

فرضیه دوم : آیا راهبردهای مقابله ای می توانند سازگاری زناشویی را پیش بینی کنند

الف (یافته ها (بخش توصیفی) :

جدول شماره 4 : میانگین و انحراف استاندارد نمرات راهبردهای مقابله ای در بین کارکنان دانشگاه کاشان

متغیر حداکثر نمره	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل نمره
مقابله مسئله مدار	266	5/54	28	59
مقابله هیجانی	266	5/48	30	66
مقابله اجتنابی	266	5/55	29	65

جدول شماره 4 میانگین نمرات راهبردهای مقابله ای در بین کارکنان را نشان می دهد. همانطور که جدول بالا نشان می دهد میانگین نمرات مقابله مسئله مدار در بین کارکنان برابر با $46/22$ و انحراف استاندارد آن برابر با $5/54$ می باشد. سایر راهبردهای مقابله ای شامل مقابله هیجانی، میانگین نمرات آنها برابر با $46/98$ با انحراف استاندارد $5/48$ و مقابله اجتنابی میانگین نمرات آنها برابر با $46/03$ با انحراف استاندارد $5/55$ می باشد.

جدول شماره 5: ماتریس همبستگی بین راهبردهای مقابله ای با سازگاری زناشویی در بین کارکنان دانشگاه کاشان

	4	3	2	1	
1. مقابله مسئله مدار				1	
2. مقابله هیجانی			1	0/31**	
3. مقابله اجتنابی		1	0/29**	0/38**	
4. سازگاری زناشویی	1	0/18*	-0/21*	0/48**	

همانطور که جدول شماره 5 نشان می دهد بین راهبردهای مقابله ای (مسئله مدار- هیجانی و اجتنابی) با سازگاری زناشویی همبستگی وجود دارد. بین راهبرد مقابله مسئله مدار با سازگاری زناشویی ضریب همبستگی به میزان $(p < 0/01, r = 0/48)$ و بین راهبرد مقابله هیجان مدار با سازگاری زناشویی ضریب همبستگی به میزان $(p < 0/05, r = -0/21)$ و بین راهبرد مقابله اجتنابی با سازگاری زناشویی ضریب همبستگی به میزان $(p < 0/05, r = 0/18)$ وجود دارد.

جدول شماره 6: نتایج تحلیل رگرسیون با روش همزمان برای پیش بینی سازگاری زناشویی از طریق مهارت های مقابله ای

متغیر پیش بین شده	B	β	t	R	R2	R2 تعدیل
مقدار ثابت	102/082		13/099			$p < 0/01$
مقابله مسئله مدار	0/51	0/48	^/26	0/61	0/37	$p < 0/01$
مقابله هیجانی	-0/18	-0/21	-0/16			$p < 0/05$
مقابله اجتنابی	0/21	0/18	1/23			$p < 0/05$

جدول شماره 6 نتایج تحلیل رگرسیون با روش همزمان برای پیش بینی سازگاری زناشویی از طریق مهارت های مقابله ای را نشان می دهد. همانطور که جدول بالا نشان می دهد مهارت های مقابله ای شامل مقابله مسئله مدار، مقابله هیجان مدار و مقابله اجتنابی 37 درصد واریانس سازگاری زناشویی را تبیین می کند براین اساس راهبردهای مقابله ای می توانند سازگاری زناشویی را پیش بینی کنند بنابراین فرضیه دوم تایید می گردد.

فرضیه سوم : هریک از ویژگی های شخصیتی چه سهمی در سازگاری زناشویی دارند

الف (یافته ها (بخش توصیفی) :

جدول شماره 7: میانگین و انحراف استاندارد نمرات ویژگی های شخصیتی در بین کارکنان دانشگاه کاشان

متغیر حداکثر نمره	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل نمره
صداقت فروتنی	266	30/16	4/41	18
هیجان پذیری	266	29/57	3/68	17
برون گرایی	266	30/13	4/17	15
توافق پذیری	266	29/79	4/19	16
با وجدان بودن	266	30/26	4/04	18
گشودگی نسبت به تجربه	266	30/11	4/01	17

جدول شماره 7 میانگین نمرات ویژگی های شخصیتی در بین کارکنان را نشان می دهد. همانطور که جدول بالا نشان می دهد میانگین نمرات ویژگی شخصیت صداقت فروتنی در بین کارکنان برابر با 30/16 می باشد. در سایر ویژگی های شخصیتی به ترتیب در هیجان پذیری برابر با 29/57، در برون گرایی برابر با 30/13، در توافق پذیری برابر با 29/79، در باوجدان بودن برابر با 30/26 و در گشودگی نسبت به تجربه برابر با 30/11 می باشد.

جدول شماره 7: ماتریس همبستگی بین ویژگی های شخصیت با سازگاری زناشویی در بین کارکنان دانشگاه کاشان

	1	2	3	4	5	6	7
1. صداقت فروتنی	1						
2. هیجان پذیری	0/48**	1					
3. برون گرایی	0/45**	0/52**	1				
4. توافق پذیری	0/36**	0/52**	0/53**	1			
5. باوجدان بودن	0/49**	0/39**	0/58**	0/54**	1		
6. گشودگی به تجربه	0/43**	0/52**	0/34**	0/48**	0/42**	1	
7. سازگاری زناشویی	0/53**	0/08	0/11*	0/41**	0/31*	0/06	1

همانطور که جدول شماره 7 نشان می دهد بین ویژگی های شخصیت، فقط ویژگی های صداقت و فروتنی، برون گرایی، توافق پذیری و باوجدان بودن با سازگاری زناشویی همبستگی وجود دارند. میزان همبستگی ویژگی صداقت و فروتنی با سازگاری زناشویی برابر با $(p < 0/01, r = 0/53)$ ، ویژگی برون گرایی با سازگاری زناشویی برابر با $(p < 0/05, r = 0/11)$ ، ویژگی توافق پذیری با سازگاری زناشویی برابر با $(p < 0/01, r = 0/41)$ و ضریب همبستگی ویژگی باوجدان بودن با سازگاری زناشویی برابر با $(p < 0/05, r = 0/31)$ می باشد که این همبستگی بدست آمده از نظر آماری معنی دار است.

جدول شماره 8: نتایج تحلیل رگرسیون با روش گام به گام برای پیش بینی سازگاری زناشویی از طریق ویژگی های شخصیت در بین کارکنان دانشگاه کاشان

گام متغیر پیش بین سطح معنی داری	B	β	t	R	R2	R2 تعدیل شده
1 مقدار ثابت	18/888		23/72			$p < 0/01$
صداقت و فروتنی	0/65	0/53	3/41	0/53	0/27	$p < 0/01$
2 مقدار ثابت	16/82		14/41			$p < 0/01$
صداقت فرونی	0/61	0/50	2/40			$p < 0/01$
توافق پذیری	0/21	0/41	4/77	0/57	0/32	$p < 0/01$
3 مقدار ثابت	31/52		34/21			$p < 0/01$
صداقت فرونی	0/54	0/48	6/65			$p < 0/01$
توافق پذیری	0/18	0/29	9/78			$p < 0/01$
باوجدان بودن	0/16	0/31	11/86	0/61	0/37	$p < 0/01$

جدول شماره 8 نتایج تحلیل رگرسیون با روش گام به گام برای پیش بینی سازگاری زناشویی از طریق ویژگی های شخصیت و تعیین سهم هریک از این ویژگی ها در پیش بینی سازگاری زناشویی را نشان می دهد. همانطور که جدول بالا نشان می دهد از بین مولفه های 6 گانه ویژگی های شخصیت، تحقیق نشان داد که مولفه های صداقت و فروتنی، توافق پذیری و باوجدان بودن در پیش بینی سازگاری زناشویی کارکنان موثر می باشد.

در گام اول صداقت و فروتنی 28٪ واریانس سازگاری زناشویی در بین کارکنان را تبیین نموده است. درگام دوم، با افزودن شدن صفت توافق پذیری به معادله ، واریانس سازگاری زناشویی د به 32٪ رسیده است و در گام سوم، با افزودن شدن صفت باوجدان بودن به معادله ، واریانس سازگاری زناشویی در دانشجویان به 37٪ رسیده است.

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش به منظور " رابطه بین جهت گیری مذهبی ، راهبردهای مقابله ای و ویژگی های شخصیتی با سازگاری زناشویی " انجام شده است . براساس نتایج مندرج در جدول 3، بین جهت گیری مذهبی و سازگاری زناشویی همبستگی مثبت معناداری وجود دارد. بدین معنا که هر چه جهت گیری مذهبی در زوجین بالاتر باشد سازگاری زن و شوهر در آن زوجین بیش تر بوده است و هم چنین، هر چه جهت گیری مذهبی در زوجین پایین تر بوده است، سازگاری زن و شوهر در آن ها کمتر بوده است. به عبارت دیگر، جهت گیری مذهبی و ایمان به حضور خداوند در رابطه ی زناشویی قادر به پیش بینی معنی دار سازگاری زناشویی افراد است. این یافته ها با پژوهش خدایاری فرد (2013)، نریمانی و همکاران (1394) و قیناکی و همکاران(2016) همخوانی دارد . زیرا براساس نتایج پژوهش ها، از آن جا که باورهای مذهبی ، سبب تقویت و بهبود روابط همسران می شود و وظایف والدینی را بهبود می بخشد ، بنابراین ، به افراد کمک می کند برای گذراندن اوقات فراغت خود با خانواده برنامه ریزی مناسبی انجام دهند . این گونه باورها در مراتب بعد ، به افراد کمک می کند تفاوت های سلیقه ای همسر خود را پذیرفته ، با آن سازگار شوند . همچنین درگیری های بین خود و همسر را به خوبی حل کنند و در نهایت باعث می شود ، افراد روابط جنسی دوسویه و رضایت بخشی داشته باشند .

هم چنین، دین و پای بندی مذهبی با مشخص کردن باید‌ها نباید‌های رفتاری، حد و حدود وظایف، نقش‌ها، تکالیف و حقوق زوج‌ها را مشخص می‌کند و با ایجاد الزام درونی به انجام وظایف و نقش‌ها از ایجاد تعارض جلوگیری می‌کند. هم چنین دینداری به زوج کمک می‌کند تا در چهارچوب عقلی و شرعی به ارضای نیازهای عاطفی، جنسی و ... بپردازند و از این طریق به ایجاد رضایت زناشویی کمک می‌کند؛ زیرا یکی از شاخص‌های رضایت زناشویی، ارضای نیازهای اساسی زوج‌ها است (اکبری مرغان و همکاران، ۱۳۹۴). افراد پای بند به مذهب به زندگی تعهد دارند و نسبت به همسر و زندگی مسئولیت پذیرترند و با الزام درونی به نقش‌ها و وظایف خود عمل می‌کنند. این نکته در پژوهش فولر (۲۰۱۴) نشان داده شد و گفته شد که باورهای مذهبی با راهبردهای بقا و حفظ رابطه‌ی زناشویی ارتباط دارد. به عبارت دیگر، وجود عقاید مذهبی، تاثیر بسزایی در استحکام خانواده دارد. ایمان به خدا موجب می‌شود که نگرش فرد به هستی هدف دار باشد. اما نداشتن اعتقاد به باورهای مذهبی و بی‌ایمانی باعث می‌شود که فرد انسجام و آرامش نداشته باشد و همین موجب ضعف و سرآغاز اختلاف‌های بسیاری در در زندگی خانوادگی می‌شود. پژوهش‌های انجام شده در این زمینه نشان داده که پای بندی به مذهب، عامل مهمی در پایداری ازدواج و رضایت زناشویی است. در نقطه‌ی مقابل، هرچه میزان مغایرت در باورهای مذهبی همسران بیش تر باشد، میزان اختلاف آن‌ها بیشتر خواهد بود. با توجه به آن چه گفته شد، روشن می‌شود که جهت گیری مذهبی همسران می‌تواند سبب فزونی سازگاری زناشویی آنان شود و هر چه آنان با یکدیگر همتایی و تجانس مذهبی بیش تری داشته باشند، رضایت و سازگاری زناشویی بیش تری دارند.

همچنین، زوج‌های دارای سطوح بالای پای بندی مذهبی، دوام و بقای ازدواج خود را از برکت خداوند می‌دانند و خویشاوندی و پیامدهای مثبت ازدواج در سایه‌ی مذهب، رنگ مقدسی به خود خواهد گرفت (مولینزو همکاران، ۲۰۱۶)، صبر، تحمل و تاب آوری زوج‌ها در نتیجه‌ی پای بندی مذهبی افزایش خواهد یافت (مقتدر، ۱۳۹۶؛ کلاتر همزری و همکاران، ۱۳۹۴). از این رو، زوج‌ها در برابر مشکلات زود تسلیم نخواهند شد.

در پژوهش حاضر، بر اساس فرضیه‌ی دوم نیز، بین راهبردهای مقابله‌ای و سازگاری زناشویی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. به این معنا که میزان سازگاری زناشویی با راهبرد مساله مدار و اجتنابی، رابطه مثبت و با شیوه‌ی هیجان مدار همبستگی منفی معنی داری دارد. نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های چن و همکاران (۲۰۱۷) و دادخواه و همکاران (۲۰۱۲) همسو می‌باشد. در تبیین نتایج پژوهشگران می‌توان این گونه استدلال نمود که افرادی که در راهبرد مساله مدار نمره‌ی بالاتری می‌گیرند مشکلات کمتری در در رابطه‌ی زناشویی خود و در نتیجه سازگاری زناشویی بیش تری دارند، زیرا این افراد در مواجهه با مشکلات زندگی، مساله‌ی اصلی را تعیین می‌کنند، آن‌گاه راه حل‌های متعددی را مطرح می‌کنند، سپس مزایای هر کدام از این راه حل‌ها را می‌سنجند و در نهایت، یکی از این راه حل‌ها را انتخاب نموده و بر اساس آن عمل می‌نماید. افرادی که در مقابل رویدادهای استرس زا از راهبرد هیجانی مانند گریز، مقابله مستقیم، فاصله گرفتن، خودکنترلی بیشتر استفاده کنند مشکلات بیش تر و در نتیجه رضایت و سازگاری کمتری در زندگی زناشویی خود تجربه می‌کنند. در تبیین این یافته می‌توان گفت، زوج‌هایی که متمرکز بر سبک هیجان مدارند، بر کنترل هیجانات و واکنش‌های عاطفی تاکید دارند. زوج‌ها در این سبک مقابله، هیجانی برخورد می‌کنند و با گریه کردن، عصبانی شدن و فریاد زدن با فشار روانی مقابله می‌کنند. مقابله‌ی هیجان مدار، گاهی به شکل مقابله‌ی اجتنابی آشکار می‌شود که خود باعث می‌شود زوج‌ها برای سازگاری با عوامل فشارزا، از طریق فاصله گرفتن از آن یا از طریق تمرکز بر احساسات خود عمل کنند. هم راستای این نتایج، مطالعات پتاسک و کنث (۲۰۱۶)، ارتباط مستقیم و معنادار راهبردهای مقابله‌ای هیجان مدار را در رضایتمندی زناشویی نشان داده‌اند. هم چنین، افرادی که بیشتر از راهبرد اجتنابی، یعنی روی آوردن به اجتماع و روی آوردن به فعالیت در شرایط استرس زا استفاده می‌کنند در زندگی زناشویی اختلال کمتری را نشان می‌دهند و رضایت بیش تری دارند.

همان طور که نتایج آماری فرضیه سوم نشان می‌دهد از میان مولفه‌های ویژگی شخصیتی هگزاکو، ویژگی‌های توافق پذیری (دلپذیربودن) و با وجدان بودن و صداقت و فروتنی بیشترین سهم را در پیش بینی سازگاری زناشویی دارد. یافته‌های پژوهش درباره رابطه بین همسازی (دلپذیربودن)، وظیفه شناسی و سازگاری زناشویی با نتایج یافته‌های اشمیت کلیگل و شاپیرو، به نقل از اورورک و همکاران (۲۰۱۱) و باک و همکاران (۲۰۱۲) و میرفلاحی و همکاران (۲۰۱۵) همخوان و در تایید یافته‌های آن‌ها می‌باشد. در تبیین نتایج پژوهش، می‌توان گفت که همسازی (دلپذیربودن) که از جنبه‌های اعتماد، درستکاری، صراحت، نوع دوستی، فرمانبرداری، میانه روی و فروتنی تشکیل شده است، موجب ایجاد روحیه‌ی دلرحمی و صداقت در روابط خانوادگی می‌شود که الگوی رفتاری خوبی برای سازگاری در روابط زناشویی است. در واقع، افرادی که در این ویژگی، نمره‌ی بالاتری بدست می‌آورند، بیشتر احتمال دارد گرم، خوش مشرب، مهربان و اهل همکاری باشند، در نتیجه در روابط بین فردی با دوستان و خانواده پس از وقوع حوادث ناسازگار، تغییرات مثبت را تجربه می‌کنند (تاشیرو، ۲۰۰۳). توافق پذیری با ایجاد اعتماد در طرف مقابل همراه است و اعتماد عامل مهمی در تعهد زناشویی است. افرادی که به شریک زندگی خود اعتماد دارند، تمایل به عشق بیش تری نسبت به شریک زندگی خود و رضایت و تعهد به رابطه دارند (بوک و همکاران، ۲۰۱۲). تبیین دیگری که می‌توان به نقش ویژگی دلپذیری در ارتقای سازگاری زناشویی اشاره کرد، آن است که افراد دارای ویژگی دلپذیری بالا، از آن جایی که از بخشودگی بالاتری برخوردارند در برابر ناملایمات رفتاری بین فردی از سطح تحمل و بخشش بالاتری برخوردارند و بدین ترتیب رضایت و سازگاری زناشویی بیش تری برای خود ایجاد می‌کنند. بنابراین،

«توافق پذیری» به عنوان یکی از تاثیرگذارترین ویژگی ها در روابط زناشویی است. همسران توافق پذیر، ادراک های مثبت تری از یکدیگر دارند که به نوبه ی خود می تواند به رضایتمندی بیشتر و کاهش سرخوردگی منجر شود.

وظیفه شناسی نیز که از جنبه های (کفایت، نظم، پیشرفت طلبی، خویشتنداری، متانت و تعمق) تشکیل شده است موجب ارتقای تعهد و رعایت معیارهای اخلاقی در زندگی زناشویی می گردد که به بهبود سطح سازگاری و رضایت زوجین می انجامد. هم چنین وظیفه شناسی، به تمایل فرد برای منظم بودن، کارآمدی، قابلیت اعتماد و آرام بودن برمی گردد. افراد با وظیفه شناسی بالا گزارش کردند که از راهبردهای برنامه ریزی مانند راهبرد آگاهانه و مقابله کردن فعال، با حذف مشکلاتی که با آن مواجه می شوند، استفاده می کنند. بنابراین، این افراد با این ویژگی، به علت این که از اهداف خود به سادگی چشم پوشی نمی کنند و مسئولیت اعمال خود را می پذیرند و نسبت به تعهدات خود پای بند می باشند، در زندگی زناشویی خود نیز، این ویژگی ها را بروز می دهند و به احتمال بیش تری به زندگی زناشویی پای بند هستند (اندر، ۲۰۱۲). مرادی و یوسفی (۲۰۱۴) نیز در مطالعات خود به این نتیجه دست یافتند که بین ویژگی مسئولیت پذیری رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد.

نتایج پژوهش حسینی و همکاران (۲۰۱۳) نیز نشان داد که بین ویژگی های توافق پذیری و باوجدان بودن با سازگاری زناشویی همبستگی مثبت و معنی داری وجود دارد و توان پیش بینی سازگاری زناشویی را داشته اند. رابطه بین ویژگی شخصیتی صداقت و فروتنی با سازگاری زناشویی نیز با پژوهش های آقابابایی و ارجی (۲۰۱۴) و زیگلر و همکاران (۲۰۱۴) همسو است. در تبیین این یافته ها می توان گفت افرادی که نمره صداقت و فرومایگی بالاتری دارند، وفاداری به همسران خود را تعیین می کنند، خلوص و همدلی بیش تری در روابط آنان مشاهده می شود؛ در نتیجه، رضایت بیشتری از زندگی خود دارند.

پژوهش حاضر همانند سایر پژوهش ها دارای محدودیت هایی است که ایجاب می نماید در تعمیم نتایج به آن ها توجه شود. در این پژوهش برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه استفاده شده است. از این رو، با توجه به این که پرسش نامه ها جنبه ی خودسنجی داشته اند، ممکن است در پاسخ ها سوگیری وجود داشته باشد. هم چنین حجم زیاد سوالات پرسشنامه ها، موجب خستگی در شرکت کنندگان می شود. جامعه آماری مورد مطالعه تحقیق حاضر مربوط به کارکنان دانشگاه کاشان می باشد، لذا، تعمیم آن به سایر جوامع آماری به احتیاط انجام گیرد. از سوی دیگر، طرح پژوهش حاضر از نوع همبستگی است و بنابراین نمی توان روابط علی را از آن استنباط نمود. بر این اساس پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی در این زمینه، مطالعات گسترده تری برای روشن شدن ماهیت این موضوع در جمعیت های دیگر در سطح وسیع تر (منطقه ای، استانی و ملی) و بر روی سایر اقشار اجتماعی و با استفاده از ابزارهای مکمل مانند مصاحبه و از طریق طرح های پژوهشی آزمایشی به منظور بررسی روابط علی میان جهت گیری مذهبی، راهبردهای مقابله ای و ویژگی های شخصیتی با سازگاری زناشویی، انجام پذیرد.

با توجه به نتایج پژوهش و اهمیت موضوع رضایت زناشویی در بحث زوجین و تاثیری که بر ارتقای سطح خانواده و جامعه دارد، پیشنهاد می شود پژوهشگران حوزه مطالعات خانواده به بررسی تاثیر عوامل دیگری به غیر از متغیرهای این پژوهش در بین زوجین بپردازند تا بتوان از یافته های آن در مشاوره پیش از ازدواج تحت عنوان همسان گزینی بهره برد. هم چنین پیشنهاد می شود تحقیق حاضر به شکل مطالعات بین فرهنگی انجام شود تا نتایج در جوامع دیگر مورد ارزیابی و مقایسه قرار گیرد. در مشاوره های قبل از ازدواج، روان شناسان به منظور کسب نتایج بهتر در مداخلات روان شناختی و کارگاه های آموزشی به تیپ های شخصیتی و چگونگی مقابله با استرس افرادی که می خواهند زوج شوند توجه داشته باشند و در شرایط نیاز قبل از ازدواج به صورت فردی یا گروهی اهتمام به آموزش راهبردهای مناسب مقابله بپردازند. هم چنین در مشاوره زوجینی که دچار نارضایتی و دلزدگی زناشویی شده اند به این متغیرها توجه کنند و نتایج ارزیابی را به زوجین بازخورد دهند تا در جهت ایجاد بصیرت و اصلاح زوج ها کمک نمایند.

منابع و مراجع

اکبری امرغان، حسین، عبدیوسفخانی، زینت. (۱۳۹۴). بررسی رابطه ی پای بندی و رضایت از زندگی. فصلنامه ی علمی-پژوهشی پژوهش نامه ی تربیتی، ۱۰(۴۳)، ۳۷-۴۳.

اولسون، دیوید اچ، اولسون-سیگ، امی و لارسون، پیترچی (۱۳۹۱). بازبینی روابط همسران، ترجمه شکوه نوایی نژاد و مهرنوش دارینی. تهران: دانژه.

بهرامی، احسان. (۱۳۸۰). میزان اعتبار و قابلیت اعتماد مقیاس جهت گیری مذهبی. مجله روان شناسی و علوم تربیتی، ۶۲، ۶۷-۹۰.

بهرامی، ا و تاشک، آناهیتا. (۱۳۸۳). ابعاد میان جهت گیری مذهبی و سلامت روانی و ارزیابی مقیاس جهت گیری مذهبی. مجله روان شناسی و علوم تربیتی، ۳۴(۲)، ۴۱-۶۳.

پورمیدانی، سمیه؛ نوری، ابوالقاسم؛ شفتی، عباس (۱۳۳۱). رابطه سبک زندگی و رضایت زناشویی. فصلنامه خانواده پژوهی. ۳(۳۹)، ۳۳۱-۳۴۴.

پالانگ، حسن. طاهر نشاط دوست، حمید و مولوی، حسین (۱۳۸۸). هنجاریابی پرسشنامه ۶ عاملی شخصیت HEXACO-PI-R در دانشجویان ایرانی. فصلنامه علمی پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز، ۴، ۴۱-۴۳.

حسینی، زهرا. خلقی، زهرا. جابری، سمیه. صدیقی، اکرم. صالحی، وجیهه. تفویضی، متین. (۱۳۹۲). مقایسه ویژگی های شخصیتی زوجین متعارض و عادی با استفاده از پرسشنامه شخصیتی ۵ عاملی نئو. مجله پزشکی قانونی، ۱۹(۴۱)، ۱۶۵-۱۷۳.

کلانتری هرمزی، آتوسا. عسلی طالکوبی، سکینه. مرادی لیاولی، قاسم. (۱۳۹۴). پیش بینی تاب آوری روانشناختی بر اساس میزان پای بندی مذهبی در زنان متأهل. فصلنامه ی مطالعات روانشناسی بالینی، ۵(۱۹)، ۱۱۹-۱۳۸.

مقتدر، لیلا (۱۳۹۶). رابطه ی باورهای مذهبی و راهبردهای رویارویی با استرس در تاب آوری روانی و رضایت مندی زناشویی همسران جانباز. مجله ی دانشگاه علوم پزشکی گیلان، دوره ی بیست و ششم، شماره ی ۱۰۳، ۳۷-۴۵.

نریمانی، محمد. پرزور، پرویز. عطادخت، اکبر. عباسی، مسلم. (۱۳۹۴). نقش بهزیستی معنوی و پای بندی مذهبی در پیش بینی رضامندی زناشویی پرستاران. مجله ی بالینی پرستاری و مامایی، ۴(۲)، ۱-۱۰.

وکیلی عباسعلی لو، سجاد (۱۳۹۳). پیش بینی الکسی تایمیا براساس صفات شخصیتی و سبک های دلبستگی با نقش میانجی تنظیم شناختی هیجان. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی. دانشگاه تبریز.

Aghababaei N, Arji A. Well-being and the HEXACO model of personality. *Pers Individ Dif* 2014;56: 139-42.

Ashton, M.C., Lee, K., Perugini, M, Szarota, P., De Vries, R.E., Diblas, L., Boies, K., & De Raad, B. (2004). A six- factor structure of personality descriptive adjectives: Solutions from psych lexical studies in seven languages. *Journal of Personality and Social Psychology*, 86, 356-366.

Ashton, M. C., & Lee, K. (2007). Empirical, HEXACO model of personality structure. *Personality and Social Psychology Review*, 11, 150-166.

Ashton, M.C., Lee, K. (2009). The HEXACO-60: A short measure of the major dimensions of personality. *Journal of personality Assessment*, 91,340-345.

Ashton, M. C., Lee, K., & De Varies, R. E. (2014). The HEXACO Honesty Humility, Agreeableness, and Emotionality factors: A review of research and theory. *Personality and Social Psychology Review*, 18, 139-152.

Ansari M, Mahmoodi A. [The Relationship between Emotional Intelligence, Religious Beliefs and Coping Strategies on Marital Satisfaction of Physical Movement Disabilities in Shiraz]. *J Psychol Educ Sci*. 2016;2(3):72-9.

Asgari Parviz, Fariba H, Soraya J. The relation between personality traits and marital satisfaction female nurses of Ilam. *Military Caring Sciences* 2016, 3: 48-54.

Buck NM, Leenaars EP, Emmelkamp PM, Van Marle HJ. Explaining the relationship between insecure attachment and partner abuse: The role of personality characteristics. *J Interpers Violence*. 2012; 27(16): 3149-70.

Bolvardi A, Damavandian A, Talebi M. The Relation between Personality Traits and Marital Satisfaction in Couples Who Refer to Tehran's Family Judicial Complexes. *Iran J Health Educ Health Promote* 2015; 5:1249-55.

Bashar poor S, Sheykholeslami A. The relation of marital adjustment and family functions with quality of life in women. *Europe's Journal of Psychology*. 2015;11(3):432-41.

- Cooper, ML. Toward a person x situation model of sexual risk-taking behaviors: Illuminating The conditional effects of traits across sexual situation and relationship contexts. *J Pers Soc Psychol*.2010,98(2):319-41.
- Chin B, Murphy MLM, Janicki-Deverts D, Cohen S. Marital status as a predictor of diurnal salivary cortisol levels and slopes in a community sample of healthy adults. *Psych neuroendocrinology*. 2017; 78:68-75.
- Dadkhah A, Ozoni Davaji R, Khodabakhshi Koolae A, Dowlatshahi B. [The effectiveness of couples coping skills group training program on relationship quality in compatible couples]. *J Behave Sci*. 2011;6(1):25-30.
- Dollahite, D. C., Hawkins, A. J., & Parr, M. R. (2012). "Something more": The meanings of marriage for religious couples in America. *Marriage & Family Review*, 48(4), 339-362.
- Endler, N.S., & Parker, J.D.A. (1990). Multidimensional assessment of coping: A theoretical analysis. *J Pers Soc Psychol* 58:844–854.
- Etemadnia Marzieh, Biraghoun NG, Bahri MRZ. The Relationship between the Personality Factors (Indicators) and the Rate of Martial Satisfaction of Married Teachers. *J Appl Environ Biol Sci* 2015; 5:132-7.
- Esmaeeli B. (1995.). Study of amount of marital adjustment and its reasons among students of Shahrekord University. (Persian). Master of art dissertation, Tarbiyat Moallem University of Tehran.
- Fathi Ashtiyani A. et al. (2004). The study of successful and unsuccessful marriage among university students. (Persian). *Journal of Danes Hvar*, 7(11), 9-16.
- Farah Bakhsh K, Kiani AR, Asadi M, Shir Alipour A. Religious orientation and dimension of family communication Boundaries: A fundamental correlation. *Ravanshenasi Va Din* 2010; 3(3): 93-106. [In Persian]
- Farah bakhsh, Q., Moin, L., & Sahami, S. (2012). Relationship the family power structure with self-concept and mental health of woman primary school teachers DarabCity. *Woman and family Studies*, N.16, Pg.49-63.
- Finn C, Mitte K, Neyer FJ. The relationship specific interpretation bias mediates the link between neuroticism and satisfaction in couples. *Eur J Pers* 2013; 27:200-12.
- Fowler, C. (2014). *The Role of Religious Affiliation and Attitudes in Marriage Maintenance Strategies*. Utah State University Logan.
- Goyal M, Singh S, Sibinga EM, Gould NF, Rowland-Seymour A, Sharma R, Berger Z, Sleicher D, Maron DD, Shihab HM, Ranasinghe PD. Meditation Programs for Psychological Stress and Well-being: A Systematic Review and Meta-analysis. *JAMA internal medicine*. 2014 Mar 1;174(3):357-68.
- Gheinaghi, A., Sana goo, A., & Jouybari, L. (2016). The relationship between religious beliefs, social support and optimism in students of golestan university of medical sciences. *Journal of Advances in Medical Education*, 1(2), 42-48.
- Hussein nejad M. (1995). Study of rate of incompatibility among parents with mentally retarded children. (Persian). Master of art dissertation, Allameh Tabatabae University.

- Holland, A. S, Roisman, GI. Big five personality traits and relationship quality: Self-reported, Observational and Psychological evidence. *J Soc Pers Relationship*. 2009, 25(5):211-26.
- Hosseini, Z., Khalqi, Z., & Jaberi, S. (2013). Comparison of personality traits of contradictory and normal couples using the Neo 5 Factor Personality Questionnaire. *Journal of Legal Medicine*. 19(4), 165-174. [Persian]
- Hosseini A, Rasoli M, Davarniya R, Babaie Garmekhani M. [Effectiveness of Group Based on the practical application of intimate relationship skills on the quality of the marital relationship]. *J Med Sci* 2017;24(2):8-17.
- Janati, Jahromi, mehrdad, Ladan M, Leila Y. The relationship between personality characteristics and marital satisfaction among employed women in Kazeroon. *J Women Soci* 2010; 2:143-61.
- Jozefik, B., & Wojciech, P.M. (2010). Perception of autonomy and intimacy in families of origin of patients with eating disorders with depressed patients and healthy controls. Transgenerational perspective Part I. *Archives of Psychiatry and Psychothrapy*,4:69-77.
- Jiang, H., Wang, L., Zhang, Q., Liu, D.X., Ding, J., Lei, Z., Lu, Q., & Pan, F. (2015). Family functioning, marital satisfaction and social support in hemodialysis patients and their spouses. *Stress Health*, 31(2), 166-74.
- Kaufman, A. (2011). Personality, partner similarity and couple satisfaction: Do opposites attract or birds of a feather flock together. Retrieved by <https://www.prepare-enrich.com>, 26 Oct 2014.
- Khodayarifard, M. K., Shahabi, R., & Zardkhaneh, S. A. (2013). Religiosity and marital satisfaction. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 82, 307-311.
- Khakpour A, Nazari, AM, Zaharakar K. Predict marital adjustment based on the triangle and family power structure. 2014; 9(33):37-46. (Persian)
- King KD, Rosowsky E, Coolidge FL, Rhoades CS, Segal DL. Marital satisfaction and personality traits in long-term marriages: An exploratory study. *Clin Gerontologist* 2012; 35:77-87.
- Khodayarifard, M. K., Shahabi, R., & Zardkhaneh, S. A. (2013). Religiosity and marital satisfaction. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 82, 307-311.
- Lazarus, R.S., and Folk man, S. (1980). An analysis of coping in a middle-ager community sample. *Health soc Behave*. 21,219-239.
- McCrae, R. R., & Costa, P. T. (1991). The NE personality Inventory: Using the five-factor model in counseling. *Journal of counseling and Development*, 69,367-372.
- Muraru, A.A., & Turliuc, M. (2012). Family-of-origin, romantic attachment and marital adjustment: a path analysis model. *Procedia-social and Behavioral Sciences*, vol.33. PP.90-94.
- Maskarin, A. S., Conger, R. D., Martin, M. J., Donnellan, M. B., Masyn, K. E., & Lorenz, F. O. (2013). Romantic relationships in early adulthood: Influences of family, personality, and relationship cognitions. *Personal Relationships*, 20(2), 356-373.
- Mondol, J. *Marital Adjustment: Extension of psychophysical well-being*. India: LAP Lambert Academic Publishing, 2014.
- Moradi, O., & Yousefi, N. (2014) A survey between five factors of personality and quality of life in couples on the verge of divorce. *Journal of Personalities and personalities*, 2(3), 121-137.

- Mullins, D. F. (2016). The effects of religion on enduring marriages. *Social Sciences*, 5(2), 24.
- Mirfallahi, S. Z., Akbari, B., Keshvar Panah Karjoun, A., Mavi, G. B., Khoshkhoo Gilavaee, F. (2015). The Investigation Relationship between Personality Characteristics on Marital Satisfaction. *Journal of Applied Environmental and Biological Sciences*, 2(6)203-209.
- Manju. Marital adjustment and depression. *International Journal of Indian Psychology*. 2016;3(59):44-51.
- Mullins, D. F. (2016). The effects of religion on enduring marriages. *Social Sciences*, 5(2), 24.
- Molaei M, Banihashem SK. The relationship between martial satisfaction and the personality variables of the five-factor model. *International Journal of Humanities and Cultural Studies (IJHCS)* 2016; 1:1783-90.
- Nazare, B., Fonseca, A., Gameiro, S., &Canavero, M.C. (2011). Amniocentesis due to advanced maternal age: The role of marital intimacy in couples decision-making process. *Contemporary family Therapy*, vol.33. PP.128-142.
- O'Rourke N, Claxton A, Chou PHB, Smith JZ, Hadjistavropoulos T. Personality trait levels within . older couples and between-spouse trait differences as predictors of marital satisfaction. *Aging Ment Health* 2011; 15:344-53.
- Onder N. The mediating role of coping strategies in the basic personality traits—Ptg and Locus of control—Ptg relationships in breast cancer patients. [dissertation]. Middle East Technical University; 2012.
- Ptacek, J. T., & Kenneth, L. D. (2016). Coping Strategies and Relationship Satisfaction in Couples. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 21(1), 76-84.
- Razeghi N, Nikiju M, Mujembari AK, Masihi AZ. Relationship between Big Five Personality Factors and Marital Satisfaction. *J Iran Psychol* 2011; 7:269-78.
- Reza Haji Bidgoli, Elham., & Tamannaefar, Mohammadreza (2017). The Prediction of Marital Burnout Based on Personality Traits. *International Journal of Scientific Study*, 5(4), 647-652.
- Spanier GB. Measuring dyadic adjustment: New scales for assessing the quality of marriage and similar dyads. *Journal of Marriage and Family*. 1976;38(1):15-28.
- Spanier, G. (1986). Dyadic Adjustment Scale, *Journal of Marriage*, 29(5), 35- 42.
- Srivastava, A. Marital adjustment among patients with depression. *International Journal of Education and Psychological Research*. 2015;4(4):21-25.
- Saadatian, E., Samani, H., Parsani, R., Vikram, P., Anshul, L.J., Tejada, L., David, C.A., &Nakatsu, R, (2014). Mediating intimacy in long-distance relationship using kiss messaging jouonalHuman computer studies,72(10-11):736-746.
- Solomon, B. C., & Jackson, J. J. (2014). Why do personality traits predict divorce? Multiple pathways through satisfaction. *Journal of Personality and Social Psychology*, 106(6), 978-996.
- Sodermans AK, Corijn M, Vanassche S, Matthijs K. Effects of personality on post-divorce partnership trajectories. *J Soc Pers Relate* 2016: In Press.

Sadeghi A, Mozhdehi FK. Surveying the Relationship between Personality Traits and Self-Esteem with Marital Satisfaction in Married Students of Islamic Azad University Students, City of Rasht, Guilan Province, Iran. *Psychology* 2016; 7:655-61.

Tashiro T, Frazier P. I'll never be in a relationship like that again: Personal growth following romantic relationship breakups. *Personal Relationships*. 2003; 10(1), 113–28.

Trull TJ, Widiger TA. Dimensional models of personality: the five-factor model and the DSM-5. *Dialogues Clin Neurosis* 2013; 15:135-46.

Veselka, L., Schermer, J.A., & Vernon, P.A. (2012). Beyond the big five: the dark triad and the supernumerary personality inventory. *Twin Research and Human Genetics*,14(2),158-168.

Woszidlo A, Segrin C. Direct and indirect effects of newlywed couples' neuroticism and stressful events on marital satisfaction through mutual problem solving. *Marriage Fam Rev* 2013;49: 20-45.

Weiss Jennifer, M. (2014). *Marital Preparation Experiences and Qualities in a Qualitative Study of Individuals in Great Marriages*. (MA). Utah State University.

Wagner J, Schaffhausen K, Lüdtke O, Allemand M. Dyadic longitudinal interplay between personality and relationship satisfaction: A focus on neuroticism and self-esteem. *J Res Pers* 2014; 53:124-33.

Yang SX, Jowett S, Chan D. Effects of big five personality traits on the quality of relationship and satisfaction in Chinese coach–athlete dyads. *Scand J Med Sci Sports* 2015; 25:568-80.

Zeigler-Hill V, Holden CJ, Pham MN, Shake ford TK. Personality features and mate retention strategies: Honesty-Humility and the willingness to manipulate, deceive, and exploit romantic partners. *Pers Individual Dif* 2014, 57: 31-6.

